

طهران یا تهران ؟

بقلم آقای سعید نفیسی

هفته گذشته در محفلی از فضلاء نامی طهران سختی از املائی اسم پایتخت امروز ایران پیش آمد و این بحث در گرفت که طهران را با طاء باید نوشت یا به تاء ؟ از چند سال پیش ، بلکه از ابتدای حکومت شوروی در ایران ، ایران دوستی در ادبیات و زبان هم راهی یافته است و جمعی عقیده یافته اند که در املائی زبان پارسی باید وطن پرستی را روا داشت و مخرج های تازی را که با زبان ما ولهجه ما کاری ندارد بدور انداخت . البته باید در آسانی خط و زبان کوشید و نخستین قدم از این آسان گرداندن نوشتن همان چیزی است که بزبان می آید ؛ در صورتیکه ما در لهجه خود فرقی بین طاء و تاء نمیگذاریم نگاهداشتن این هر دو چه ضرور است ؟ اما تا این کار هنوز صورت نگرفته است بحث در این که طهران صحیح است یا تهران بخواندن و نوشتن میارزد . در محفل ما آنشب بحث بطول انجامید ، هر کس بذوق خود چیزی گفت ، عاقبت مو کول بحکم کتاب کردیم ، این بحث را بمن گذاشتند .

اینست آنچه درین باب تصفح و تتبع کرده ام :

در باب تاریخ طهران دو مقاله دقیق در سال دوم

دو مقاله

از دوره جدید روزنامه کاوه منطبق برلن انتشار

در روزنامه کاوه یافته است : اولی مقاله ای است بی امضا در شماره

دوم (ص ۸ - ۱۱) ، دومی انتقادات و الحاقاتی

است بر مقاله اولی از قلم استاد من آقای میرزا محمد خان قزوینی در

شماره چهارم (ص ۱۴ - ۱۵) که مثل دیگر رشحات قلم او از تتبع و

دقت تام تراویده است .

اساس اطلاعات من همان منابعی است که نویسندگان آن دو مقاله بدان رجوع کرده اند ، زیرا که درین موارد جعل مأخذ ناپسندیده تر از هر مورد دیگر است ؛ منها بعضی انتقادات و تفحصات دیگر بر آن دو مقاله می افزایم .

اگر عقیده آقای میرزا محمد خان را پیروی
 عقیده دوخویه کنیم از قرن چهارم به بعد ذکری از طهران در
 و عقیده آقای میرزا کتب تاریخ و جغرافیا دیده میشود بدین قرار :
 محمد خان قزوینی نخستین کسی که بزعم محقق مزبور از طهران
 اسم برده است ابواسحق اسطخری فارسی است
 که کتاب او در حدود سال ۳۰۴ تألیف شده و در ص ۲۰۹ (طبع لیدن
 ۱۸۷۰) از کتاب سابق الذکر در باب شهر ری مندرج است که :
 « ... و از رستاقهای مشهور آن قصران داخل و خارج و بهزان است
 الخ ... » (و من رساتیقها المشهوره قصران الداخل و الخارج و بهزان
 الخ ... » و در ذیل همان صحیفه ناشر و طابع کتاب علامه مستشرق
 معروف دوخویه De Goeje یاد داشت کرده است : « شاید این کلمه را
 تهران باید خواند » و همین یاد داشت باعث عقیده آقای میرزا محمد خان
 شده که این محل همان تهران یا طهران است .

پس از آن ابوالقاسم بن حوقل (طبع لیدن ۱۸۷۳) که در حدود
 سال ۳۶۶ کتاب خود را تألیف کرده و از آن پس المقدسی (طبع لیدن
 ۱۹۰۶) که در حدود ۳۷۵ تألیف خود را به ختام رسانده است هر دو
 بهزان را از توابع ری ضبط کرده اند . عقیده آقای میرزا محمد خان
 آن است که درین دو موضع هم بایستی طهران بوده باشد . اما شگفت
 است که در سه کتاب مختلف که البته همیشه نساخ آنها یکفر نبوده است
 تهران پیوسته به بهزان تحریف شده باشد ، مثل اینکه کتاب همه درین
 باب مواضع کرده اند که هر جا طهران بیاید بهزان نویسند !

شهاب‌الدین ابی عبد الله یاقوت بن عبد الله حموی رومی بغدادی در کتاب معروف «معجم البلدان» که بسال ۶۲۱ تألیف یافته (طبع مصر ۱۳۲۳ - ج ۲ - ص ۳۱۴) می نویسد: «بهزان . . . موضعی است نزدیک ری، گویند آنجا شهر ری بود و مردم آن به محل امروز ری آمدند و آنجا خراب شد و تا امروز آثار آن بجا است و میان آن و شهر ری شش فرسنگ است.» (بهزان . . . موضع قرب الی قالوا هناك كانت مدينة الی فانتقل اهلها الی موضعهما الیوم و خربت و آثارها الی الیوم باقیه و بینها و بین مدينة الی ستة فراسخ).

با آنکه آقای میرزا محمد خان خود این روایت یاقوت را هم در مقاله خویش آورده است و شش فرسنگ را هم هفت فرسنگ نوشته باز دو عقیده خود برپای است و اینکه یاقوت نوشته است «گویند آنجا شهر ری بود و مردم آن به محل امروز ری آمدند و آن خراب شد» و شنیدن یاقوت این قول را از دهان مردم به عبارات بعد نیز عطف کرده و بر آن است که قول یاقوت سندیست زیرا به مشافهه باو رسیده است و از افواه شنیده و حال آنکه واضح است مراد از «گویند» یا «قالوا» همان نکته در باب انتقال مردم بهزان به ری است و نه جمله های بعد که «خرابه آن هنوز بجا است و میان آن و شهر ری شش فرسنگ است.» بالعکس این دو جمله را به یقین ادا کرده است و از فحوای کلام یاقوت پیدا است که علم داشته است در اینکه بهزان در زمان او خراب بوده و با شهر ری شش فرسنگ مسافت داشته؛ چنانکه مؤلف مذکور در جای دیگر، در کتاب «مراسد الاطلاع» نیز، که پس از تألیف معجم البلدان بسال ۶۲۱ و پیش از مرگ خود در سال ۶۲۶ تألیف کرده و آن اختصاری است از معجم البلدان همین نکات را عیناً آورده است (طبع طهران ۱۳۱۰ - ص ۸۶). از طرف دیگر مسلم است که بین تهران و ری فاصله شش فرسنگ نیست: یاقوت در معجم البلدان (ج ۶ - ص ۷۴) و هم در

مراسد الاطلاع (ص ۲۶۸) مسافت این دو ناحیت را نزدیک به يك، فرسنگ ضبط کرده است . از رجوع بيك نقشه جغرافیائی جدید (نقشه ولایتی طهران از میرزا عبدالرزاق خان مهندس طبع طهران ۱۳۲۸) معلوم میشود که فاصله طهران به دولت آباد که در همان محل خرابه ری است از يك فرسنگ شش هزار ذرعی کمتر است و از نقشه دیگر (نقشه اطراف طهران از اشتاهل Stahl آلمانی طبع گوتا Gotha ۱۹۰۰) بر می آید که این فاصله از پنج ورست و نیم روسی افزون نیست که معادل پنج هفتم فرسنگ باشد ؛ اداره طرق و شوارع وزارت فواید عامه در جواب استفسار من مطابق جدول ابعاد رسمی خود اطلاع میدهد که : مسافت از طهران تا دولت آباد از شش کیلومتر متجاوز نیست که کمتر از يك فرسنگ است .

پس شکئی نیست که بهزان غیر از طهران محلی دیگر بوده و دو خویه در حاشیه اصطخری برام راست و رای صواب نرفته و استادما آقای میرزا محمد خان را هم بشبهه درافکنده است . باز اگر بهزان در کتب دیگر غیر از اصطخری بهمین شکل ثبت نشده بود و یا معنی لغوی در زبان پارسی نداشت و اشتقاق آن معلوم نبود ممکن بود در تصحیح آن کوشیدن و قائل شدن که بهزان غلط و تهران صحیح است .

ازین قرار بهزان شهری بوده است در شش فرسنگی

بهزان و تهران ری که یا پنج فرسنگ از طهران فاصله داشته

(بسته باینکه در شمال و یا مشرق و یا مغرب طهران

بوده باشد) و یا هفت فرسنگ از طهران دورتر بوده (بسته باینکه در جنوب طهران و در جنوب ری بوده باشد) . اما تقریباً یقین است که در شمال طهران نبوده زیرا شهر طهران بفاصله دو الی سه فرسنگ از شمال بدامنه کوه های البرز منتهی میشود و درین دامن کوه در پنج یا شش فرسنگی که بقلل جبال میرسد محلی نیست که گنجایش شهری را داشته باشد و نیز از طرف مشرق بفاصله سه الی چهار فرسنگ به تپه ها و کوه های شرقی که